

چطور شد قبل از شروع رسمی جنگ به مناطق عملیاتی رفتید؟

۱۵ روز قبل از اینکه جنگ شروع شود از طرف بسیج به جبهه غرب اعزام شدم. آن زمان مرزهای غربی کشورمان تحت تأثیر فعالیت‌های مخرب ضد انقلاب بود، بنابراین من از سال ۵۹ تا اوایل سال ۶۱ یعنی حدود دو سال در جبهه کردستان حضور داشتم.

به تا کی هفته دفاع مقدس را پشت سر گذاشته‌اید، یادتان است روز شروع جنگ تحمیلی کجا بودید؟

سال ۵۹ دقیقاً روزی که جنگ شروع شد، سنجند بودم. اوضاع کردستان به دلیل فتنه گروهک‌ها مناسب نبود و صدام فرودگاه سنندج را بمباران کرده بود. روزهای آغازین جنگ به سمت جاده مریوان-سنندج حرکت کردیم و در یکی از پایگاه‌ها مستقر شدیم تا با یکی از گروه‌های معاند مقابله کنیم. اما در همین جابه‌جایی‌ها در کمین کومله افتادیم. از ظهر تا هنگام غروب درگیری ادامه داشت. چند شهید دادیم تا اینکه توانستیم از کمینی که کومله برای ما تدارک دیده بود گذر کنیم و در منطقه جانوران مستقر شویم. این اتفاق دقیقاً فردای روز حمله صدام به کشور ما و بمباران فرودگاه سنندج رخ داد.

در مدت حضورتان در جبهه، در چه عملیات و مناطقی حضور داشتید؟

از سال ۵۹ تا پایان سال ۶۱ در آزادسازی روستاهای کردستان و راه‌های مواصلاتی سنندج- مریوان و پیرامون آن و آزادسازی قله فوج سلطان از دست بعثی‌ها و عملیات «شنام» در خارج از مرزهای کشور در کنار حاج احمد متوسلیمان حضور داشتم. در یک مرحله در منطقه گیلان غرب جانباړ شدم. در عملیات کربلای پنج و در منطقه عملیاتی مائوت و همچنین در عملیات مرصاد در مقابله با گروهک محارب منافقین هم توفیق حضور داشتم و الان هم تا پای جان در خدمت انقلاب اسلامی هستم. سال ۶۲ در منطقه گیلان غرب از ناحیه دو پا یک دست مجروح شدم. از سال ۶۲ که مجروح شدم تا پایان جنگ توان راه رفتن نداشتم. دستپا می‌اسب دیده بود اما خدا روزی کرد تا آنجا که در توان دارم در خدمت رزمندگان بمانم.

در روزهای نخست جنگ شرایط مردم و کشور چگونه بود؟

قبل از شروع جنگ و حمله ناوایرمانده‌ا ر تش بعث عراق به کشور، چون تازه انقلاب پیروز شده بود، جوان‌های انقلابی در شمال، غرب، شرق و جنوب کشور درگیر فتنه‌های از پیش طراحی شده‌ا از سوی گروه‌های دست پرورده آمریکا و شوروی آن زمان بودند. خصوصاً در غرب کشور که با فتنه سنگین گروه‌های محارب کومله و دموکرات مواجه بودیم که موفق شده بودند تقریباً در تمام کردستان نفوذ کنند. البته مردم خوب کردستان به آنها ملحق نشده و از تنش و سیاه‌کاملا با گروه‌های معاند درگیر بودند. در چنین شرایطی برخی هم از داخل کشور سعی می‌کردند ما را ضعیف کنند. مثلاً تیمسار مدنی که از سران وقت ارتش بود و مدتی بعد به جرم خیانت متواری شد، مدت سربازی را از ۲۴ ماه به ۱۲

ماه تقلیل داد. بلافاصله بعد از آن بدنه دفاعی کشور نیمی از قدرت خود را از دست داد فتنه دیگری که این شخص انجام داد این بود که گفت هر نظامی به شهر خودش برود. نظامیان کرد به کردستان برگشتند و پادگان کردستان پر از نظامیان کرد شده بود. اینها بخشی از نقشه تیمسار مدنی بود اما به ارادشان نرسیدند، چراکه ارتش و ژاندارمری آلت دست دشمن نشدند، دشمن به اهدافش نرسید و نتوانست کردستان را از پیکر کشور ما جدا کند. فتنه‌های دشمن در آذربایجان، خوزستان و گنبد هم اثر نکرد. مردم با جان و دل از انقلاب‌شان دفاع کردند. در کردستان هم مردم کرد به ضد انقلاب ملحق نشدند. تا اینکه با حمایت امریکا و کشورهای غربی، ارباب جنگی صدام را در بیش از هزار کیلومتر مرزهای سرزمین ما وارد کردند. وقتی صدام به کشور ما حمله کرد مردم وحشت زده بودند اما امام

عملیات محمد رسول الله (ص) که

اولین عملیات برون مرزی بود، بر ایم بسیار خاطر ه‌انگیز است. محمد رسول الله (ص) عملیات سی برای به دست گرفتن ارتفاعات «شنام» بود. با در دست گرفتن این ارتفاعات بخش بزرگی از خاک دشمن زیر دید نیروهای ایرانی قرار می گرفت و از این جهت شنام بسیار حیاتی و استراتژیک بود

خمینی (ره) فرمودند دزدی آمد و سنگی انداخت و رفت. با بیانات حضرت امام، مردم برای مقابله با دشمن آماده شدند. بسیج مردمی تشکیل شد و حماسه عظیم دفاع مقدس به وجود آمد. هشت سال دفاع مقدس ماثور بزرگی بود و ملت ایران را آماده کرد. امام فرمودند جنگ برای مردم ایران یک نعمت است. اگر الان قوی‌ترین بینه‌های دفاعی کشور را در اختیار داریم از ثمرات هشت سال دفاع مقدس است.

وضعیت منطقه کردستان در آغاز دفاع مقدس چطور بود؟

بعد از حمله بعثی‌ها، در منطقه کردستان جبهه‌ای علیه دشمن باز شد. روح حماسی در جان مردم متبلور شد و از کشور دفاع کردند. مردم با همه توانی

چشمینی (ره) فرمودند دزدی آمد و سنگی انداخت و رفت. با بیانات حضرت امام، مردم برای مقابله با دشمن آماده شدند. بسیج مردمی تشکیل شد و حماسه عظیم دفاع مقدس به وجود آمد. هشت سال دفاع مقدس ماثور بزرگی بود و ملت ایران را آماده کرد. امام فرمودند جنگ برای مردم ایران یک نعمت است. اگر الان قوی‌ترین بینه‌های دفاعی کشور را در اختیار داریم از ثمرات هشت سال دفاع مقدس است.

وضعیت منطقه کردستان در آغاز دفاع مقدس چطور بود؟

بعد از حمله بعثی‌ها، در منطقه کردستان جبهه‌ای علیه دشمن باز شد. روح حماسی در جان مردم متبلور شد و از کشور دفاع کردند. مردم با همه توانی

چشمینی (ره) فرمودند دزدی آمد و سنگی انداخت و رفت. با بیانات حضرت امام، مردم برای مقابله با دشمن آماده شدند. بسیج مردمی تشکیل شد و حماسه عظیم دفاع مقدس به وجود آمد. هشت سال دفاع مقدس ماثور بزرگی بود و ملت ایران را آماده کرد. امام فرمودند جنگ برای مردم ایران یک نعمت است. اگر الان قوی‌ترین بینه‌های دفاعی کشور را در اختیار داریم از ثمرات هشت سال دفاع مقدس است.



گفت‌وگوی «جوان» با جانباز خدایار بهرامی

از رزمندگان دفاع مقدس و از فعالان فرهنگی بسیج

سختی‌های جنگ تحمیلی نیروهای ما را آبدیده کرد

زینب محمودی عالمی
جانباز خدایار بهرامی از رزمندگان پیشکسوت دفاع مقدس است که از او به عنوان پدر معنوی شهدای مدافع حرم شهر یار نیز یاد می‌شود. بهرامی از بنیانگذاران مسجد امیرالمؤمنین (ع) شهرک کهنز شهرستان شهریار و فعال فرهنگی است که به عنوان معلم پرورشی در مسجد و پایگاه بسیج، سعی در رشد معنوی جوانانی داشته که در برخی از آنها در جبهه دفاع از حرم به شهادت رسیدند؛ شهدایی چون مصطفی صدرزاده، محمد آژند و سجاد عفتی از دوستان و شاگردان بهرامی بودند. با او که دو هفته قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی راهی مناطق عملیاتی شده بود، گفت‌وگویی انجام دادیم که ماحصلش را پیش‌رو دارید.

که داشتند به میدان آمدند و نگذاشتند حتی یک وجب‌ا از خاک کشور ما در اختیار دشمن قرار گیرد. **کدام یک از عملیات‌هایی که در آن حضور داشتید، بیشتر برای خودتان خاطره انگیز است؟**

عملیات محمد رسول الله (ص) که اولین عملیات برون مرزی بود، برایم بسیار خاطر‌انگیز است. محمد رسول الله (ص) عملیاتی برای به دست گرفتن ارتفاعات شنام بود. با در دست گرفتن این ارتفاعات بخش بزرگی از خاک دشمن زیر دید نیروهای ایرانی قرار می‌گرفت و از این جهت ارتفاعات شنام بسیار حیاتی و استراتژیک بود. شنام، نام قله‌ای از خاک عراق است که در نزدیکی مرز کردستان ایران با کردستان عراق قرار دارد. در دامنه شنام، روستاهای کوچکی وجود دارند. از قله این ارتفاعات می‌توان شهر حلبچه عراق را به خوبی دید. افتخار داشتم در کنار حاج احمد متوسلیمان به عملیات قله شنام بروم. عملیات محمدرسول الله (ص) در زمان خودش بزرگ‌ترین عملیات غرب کشور بود. یادم است از سمت منطقه ملخ خور عبور کردیم و وارد کردستان عراق شدیم، اما در ادامه عملیات خیانتی صورت گرفت و بنی صدر که رئیس‌جمهور بود، با ما همکاری نمی‌کرد. عملیات می‌توانست پیروز شود ولی به علت عدم پشتیبانی و تدارکات توفیق لازم را به دست نیاورد. تعدادی از نیروها شهید شدند و پیکرهای‌شان در منطقه ماند و چند سال اخیر تفحص شد.

چه مناطقی در کردستان در گیر جنگ بودند؟

تمام خط مرزی کردستان با عراق در گیر بود. شهر مریوان را هر روز تویخانه عراقی بمباران

سال ۵۹ دقیقاً روزی که جنگ شروع شد، سنندج بودم. اوضاع کردستان به دلیل فتنه گروهک‌ها مناسب نبود. صدام فرودگاه سنندج را بمباران کرده بود. روزهای آغازین جنگ به سمت جاده مریوان-سنندج حرکت کردیم و در یکی از پایگاه‌ها مستقر شدیم تا با یکی از گروه‌های معاند مقابله کنیم، اما در همین جابه‌جایی‌ها در کمین کومله افتادیم

می‌کرد. خیلی از مردم کرد شهید شدند. رهبر معظم انقلاب آن زمان جزو نفرات ارشد شورای انقلاب بودند. ایشان وقتی دزلی آزاد شد، به منطقه آمدند. جاسوسان به بعثی‌ها گفته بودند یکی از شخصیت‌های بلندمرتبه ایران به مریوان می‌آید. وقتی آقا از دزلی برگشتند صدام منطقه دزلی را بمباران کرد. در برگشتن از منطقه دزلی موفق شدم برای اولین بار حضرت آقا را ببینم.

روح بلند احمد متوسلیمان شاد که دزلی را آزاد کرد. حتی بعد از شروع جنگ تحمیلی، همچنان برخی از مناطق کردستان در اشغال ضد انقلاب باقی مانده بودند. جاده سنندج- مریوان و خیلی از جاده‌های دیگر بسته بودند. روستای سروآباد دست یکی از گروهک‌ها بود و بالاخره با مجاهدت افرادی چون حاج احمد متوسلیمان، منطقه آزاد شد. نکته‌ای را اینجا عرض کنیم، وقتی عراق می‌خواست مقدمات حمله به ایران را فراهم کند، در قسمت‌های مرزی مثل قصرشیرین، مهران و خوزستان تحرکاتی انجام می‌داد. منتها کسی باور نمی‌کرد از ارتش بعث عراق چنین خطایی سر بزند، یعنی به ایران حمله کند. سرمان به انقلاب و ضدانقلاب و مشکلات داخلی گرم بود و آمادگی لازم دفاعی در کشور ما وجود نداشت. اما کمک خداوند کشور ما را از آشوب و بلوای سنگینی که با حمله عراق صورت گرفت، حفظ کرد.

نامانی مرزهای غربی کشورمان چه تأثیری در شروع جنگ تحمیلی از سوی صدام داشت؟

اگر گروهک‌ها شهرهای کردستان را ناامن نمی‌کردند و بخش زیادی از نیروهای کارآمد از کردستان درگیر نمی‌شدند، شاید عراق جرئت نمی‌کرد به کشور ما حمله کند. اما ما به رغم مشکلاتی که در جبهه‌های غرب و شمالغرب داشتیم، با رزمندگان و فرماندهان نخبه‌ای چون شهید حسن باقری (طراح عملیات بیت‌المقدس) توانستیم بر همه سختی‌ها غلبه کنیم. با خود احمد متوسلیمان که یک دانشجوی معمولی و ساکن منطقه پایین شهر تهران بود، در جبهه کردستان کار کرده‌ام و همراه بودند به جبهه جنوب رفتند و حماسه‌های بسیاری خلق کردند.

این که سال‌ها از اتمام دفاع مقدس می‌گذرد، در مقایسه با توان روزهای اول جنگ، وضعیت دفاعی کنونی کشورمان را چطور می‌بینید؟

امکانات رزم ما در روزهای اول جنگ با الان قابل مقایسه نیست. زمان جنگ حتی سیم خاردار و گلوله کافی برای مقابله نداشتیم. نبرد ما با ارتش عراق مثل کسی بود که یکی چاقو در دست و دیگری مسلسل بیشتریفته در اختیار داشته باشد. روزهای اول جنگ درگیری‌ها در کردستان زیاد بود. ارتش، سیاه، بسیج و پیشمرگان کرد مسلمان وارد کارزار شدند و کردستان را از دهان خصم بیرون کشیدند. مردم کرد فریب نخوردند و دوشادوش رزمندگان با ضدانقلاب و بعثی‌ها جنگیدند و نهایتاً ما سربلند از دفاع مقدس بیرون آمدیم.

خاطره



برگی از خاطرات شهید عبدالحسین ناجیان برگرفته از کتاب زندگینامه شهید

رازی که «آقا مهندس» در گلزار شهدا گفت

شهید عبدالحسین ناجیان یکی از مهندسان توانمند ستاد پشتیبانی جنگ بود که به دلیل توانایی‌های بسیاری که داشت، دوستانش به او لقب «حسین فنی» داده بودند. او در سمت فرماندهی ستاد پشتیبانی جنگ جهاد جنوب توانسته بود با ارتباط خوب و مؤثری که با قشر کارگری داشت، تعمیرگاه‌های جهاد در جبهه را سامان دهد و با بهره‌گیری از علوم آموخته در دانشگاه، فعالیت‌های جهاد را علمی‌تر کند و ستاد «مهندسی جنگ جهاد» را تشکیل دهد. شهید ناجیان از ابتدای شروع جنگ تحمیلی در جبهه‌ها حضور داشت و همواره در اشتیاق شهادت به سر می‌برد. خصوصاً آنکه شهادت «محمد طرچی» دوست و هم‌رزم دیرینه‌اش باعث شده بود این اشتیاق درونی به حد‌اعلای خود برسد. نهایتاً در ۱۰ مهر ۱۳۶۱ اصابت یک خمپاره به اتومبیل حامل مهندس عبدالحسین ناجیان، بهانه پرواز او را فراهم کرد و این مهندس توانمند ستاد پشتیبانی جنگ در زمره شهدای دفاع مقدس قرار گرفت. خاطره‌ای از این شهید بزرگوار را به نقل از کتاب زندگینامه او پیش‌رو داریم.

دیندار و منضبط

به‌حالاتگاه نکنید، همه کسانی که با آنها مصاحبه می‌کنند یا در فیلم و سریال‌ها نشان می‌دهند، عارف شده‌اند! شهید ناجیان هم همان یک‌بار، مکتوبات قلبی بیمار شدم و اورکت هم در انبار اهوای پر بود. گفتم یکی از این اورکت‌ها را به من بدهید، بلکه سرما خوردگی‌ام بهتر شود. شهید ناجیان گفت اینجا فقط همان یک‌بار هنگامی که در ماشین می‌برمی‌گشتم، به من گفت آنهایی که شهید شده‌اند، خوش‌با به حالشان. متوجه شدم که حسین در عالم دیگری مقدم دارند می‌جنگند. من باید بروم و به آقای جزایری بگویم اگر ایشان اجازه داد، اورکت را به تو می‌دهیم. حالا را با آن موقع مقایسه کنید. بالاخره یکی از بچه‌ها اورکتش را به من داد تا خودم را گرم کنم.

یکی از ویژگی‌های بارز ناجیان این بود که بسیار مهربان، دلسوز، پرکار و در عین حال عارف بود. بگذارد خاطره‌ای را برایتان تعریف کنم. ماه‌هنگامی که رامهرمز بودیم، سعی می‌کردیم هر طپور شده است پنج‌شنبه‌ها عصر خودمان را به اهواز برسانیم. شهید ناجیان در هر شرایطی که بود، باید عصر پنج‌شنبه، آن هم بعد از اینکه همه مردم از قبرستان بیرون می‌رفتند، خودش را به مزار شهدای اهواز می‌رساند. اذان را که می‌گفتند دیگر کسی آنجا نمی‌ماند.

راز عبدالحسین

من این مسئله برایم سؤال شده بود که چرا تا دیر وقت در مزار شهدا می‌ماند. یک روز بالاخره گفتم حسین جان! همه مردم رفتند. بیا ما هم برویم، گفت: «نمی‌دانی چه صفایی دار!» آن روزها البته خیلی رسم نبود همه اینگونه حرف‌ها را بزنند.

فرازهایی از وصیتنامه شهید

«خدا را بخدا را به امام وصیت می‌کنم، امام را فراموش نکنید. پیوسته با او باشید که اگر رها شوید سرنوشت‌تان سرنوشت اقوامی خواهد بود که وصف‌شان را خداوند در قرآن می‌فرماید. این اسطوره یولادین تقوی و این نمونه عالی مکتب و انسانیت را پیرو باشید و پیروی از ایشان را نه در مقام یک شخص بلکه پیروی از جریان ولایت فقیه که استمرار حرکت انبیاست بدانید و الا دچار اتحراف خواهید شد.»

		۷		۱	
		۳		۶	۴
۳			۸		
	۵	۷			۸
		۲	۴		
	۳	۲	۱	۷	
۷			۹	۶	
	۱	۹	۴		
		۱	۷		

جدول سودوکو

ارقام ۱تا۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک‌ه‌ر سه فقط یک‌بار

به کارروند

جدول کلمات متقاطع

➤ پاسخ جدول شماره ۷۱۳۳

۵	۷	۶	۸	۱	۸	۸	۵
۸	۸	۵	۷	۵	۶	۷	۱
۱	۵	۶	۸	۷	۵	۸	۸
۵	۶	۷	۵	۱	۸	۸	۷
۸	۸	۵	۷	۵	۶	۷	۱
۷	۱	۸	۷	۵	۶	۷	۱
۸	۸	۵	۷	۵	۶	۷	۱
۵	۷	۶	۸	۱	۸	۸	۵
۸	۸	۵	۷	۵	۶	۷	۱
۷	۱	۸	۷	۵	۶	۷	۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

از راست به چپ

۱- استادیوم اختصاصی اینتر میلان ایتالیا- از انجیل‌ها ■ ۲- تیغه ماه- یاکتری مولد هاگ- آهو ■ ۳- جاده قطار- جزیره نفت و گاز جنوب- رایگان- عدد هندسی ■ ۴- حرف همراهی عرب- ناشکری- نیاز اقتصاد ما ■ ۵- نویسنده آلمانی یوسف و برادرانش- شهر توت تهران- از مواد نفتی- محبت ■ ۶- وحشی- قاره سیاه- نت میانی ■ ۷- وال- گل خوشبو- رمق آخر ■ ۸- پدر شعر فارسی- اندیشه- قیل ماقبل تاریخ ■ ۹- علامت مفعول- نویسنده بذله‌گوی ایرلندی- از تیم‌های علی دایی در فوتبال آلمان ■ ۱۰- شهر بی‌دفاع- از شهرهای استان کرمانشاه- بنیانگذار صلیب سرخ جهانی ■ ۱۱- دروازه‌بان- فارسی قدیم- سراسلسله اعداد- دریل ■ ۱۲- کنایه از علت است- کتاب شیخ صدوق- حمله نظامی ■ ۱۳- ورزش مادر- خدای خورشید مصریان- بیماری ویروسی آفریقا- جشن و مهمانی ■ ۱۴- دردها- از نیروهای سه‌گانه- مردن بر اثر حادثه ■ ۱۵- پیش و جلو- از تیم‌های پرطرفدار کشورمان

از بالا به پایین

۱- شهری در استان فارس- نوعی تقاطع در بزرگراه‌ها ■ ۲- وارث سلطنت- از محبت سر که‌ها ... می‌شود- کارگردان فیلم همشهری کین ■ ۳- سفیدموی شاهنامه- جانوری دوزیست شبیه سوسمار که در آتش نمی‌سوزد- صورت- اسم آذری ■ ۴- فنی در کشتی- قدیمی و پر تجربه در کار- آماس ■ ۵- به هم پیچیدن- چرخ تانک- خداحافظی ■ ۶- میمون- سبیل- طلا ■ ۷- پایتخت کوبا- وزیر آموزش و پرورش- حرف شرط ■ ۸- راحت- گیاه آپارتمانی زیبا- شهری نزدیک قزوین ■ ۹- انجیر عرب- زمان و موعد دیدار- نویسنده لهستانی که برای کتاب دهقانان برنده جایزه ادبی نوبل شد ■ ۱۰- نگاه خیره- سر کرده اداره- کبون ■ ۱۱- قایق- همراه زن- حرف نفی غیر ■ ۱۲- زیانکاری- علم تشریح- معاون فراری هیتلر ■ ۱۳- ترش و شیرین- شهر و استانی به همین نام- ودیعه- آتشپاره و ناقلا ■ ۱۴- بسیار عالی- دانه خوشبو- جنبیدن پرچم ■ ۱۵- کارگردان فیلم تشنج- گروه امداد